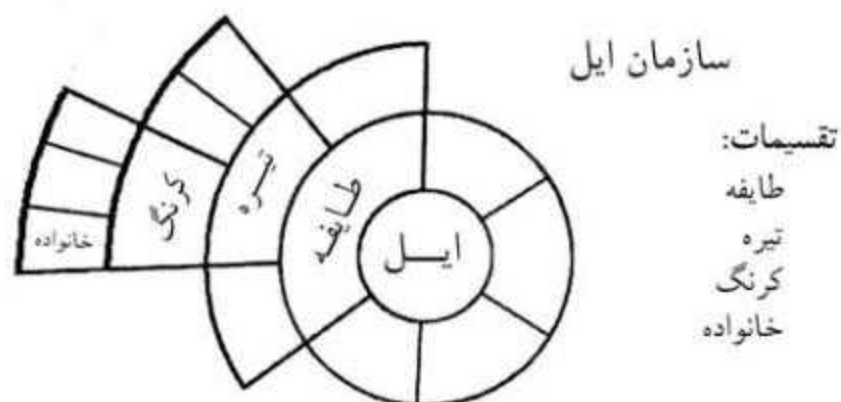


نهادند می‌زیستند (اهلرس، ۱۷۷). امروزه ترکاشوندها بین شهرهای اسدآباد، تویسرکان و نهاوند استان همدان (فرهنگ... ۱۲۸؛ امان‌اللهی، قوم‌سر، ۱۷۶؛ قراگوزلو، ۲۳-۲۴)، مهران، دهلران و دره شهر استان ایلام (فیروزان، ۲۴-۲۵؛ دولتیاری، ۶۰)، و کنگاور و صحنه در استان کرمانشاه و شهرهای استان خوزستان زندگی می‌کنند (قراگوزلو، همانجا؛ سرشماری... استان خوزستان، ۳۲).

تقسیم‌بندی ایل: ترکاشوندها به ۴ طایفه رحمتی، سلیمانی، ملیجانی و مرشدی تقسیم می‌شوند، و گویند نام طایفه‌ها از اسامی نیای نخستین طایفه‌ها گرفته شده است (برقعی، همانجا). طایفه منسجم‌ترین واحد ایل، و خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی در ایل ترکاشوند به شمار می‌رود. طایفه رحمتی بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین طایفه ترکاشوندهاست. هر کدام از طایفه‌ها به تیره‌هایی تقسیم می‌شوند. اهلرس ایل ترکاشوند را مجموعه‌ای از ۱۲۰ تیره معرفی کرده، و رحمتی را بزرگ‌ترین تیره دانسته است (ص ۱۷۵).

هر تیره به هنگام کوچ به چند گروه دامدار تقسیم می‌شوند که هر یک را گُرنِگ می‌نامند. گرنِگ یک واحد اقتصادی-اجتماعی متشکل از چند خانوار است که در کنار هم از یک مرتع مشترک استفاده می‌کنند و در انجام کارها مشارکت دارند. اعضای گرنِگ پاسدار و محافظ منافع جمع‌اند. شمار اعضای گرنِگ همیشه ثابت نیست و در هر کوچ ممکن است تغییر کنند (برقعی، ۴، ۲۳).

ایل رئیس مشخصی ندارد، لیکن هر طایفه رئیسی به نام کدخدا، و هر گرنِگ نیز رئیسی به نام سرگرنِگ دارد (برقعی، همانجا؛ برای اطلاع بیشتر دربارهٔ چگونگی سازمان ایل در میان ترکاشوندها، نک: نمودار).



کوچ و اسکان: بنابر یک پژوهش میدانی ترکاشوندها به تدریج از اواخر اردیبهشت تا اواسط خرداد از قشلاق به بیلاقات خود در دامنه‌های شمالی کوه الوند و گنجنامه تا حوالی کوههای کشانی و آرتیمان در نزدیکی تویسرکان می‌روند (برقعی، ۵). ترکاشوندها ۴ تا ۶ ماه در بیلاقات می‌مانند و از اواسط مهرماه

کوچش یحیی ذکاء، تهران، ۱۳۵۲؛ گردیزی، عبدالحی، زین‌الخبار، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران، ۱۳۴۷؛ گروسه، رنه و ژرژ دیکر، *جهره آسیا*، ترجمه غلامعلی سیار، تهران، ۱۳۷۵؛ لغت‌نامه دهخدا؛ محمدحیدر، دوغلات، تاریخ رشیدی، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز؛ مدرس رضوی، محمدتقی، تعلیقات بر تاریخ بخارا (نک: هد، نرشخی)؛ مسعودی، علی، *مروج الذهب*، به کوشش شارل پلا، بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵؛ همان، به کوشش یوسف اسعد داغر، بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵؛ معین، فرهنگ فارسی، تهران، ۱۳۵۶؛ مقدسی، محمد، *احسن التقاسیم*، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۰۶؛ منهاج سراج، *طبقات ناصری*، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران، ۱۳۶۳؛ مینورسکی، و. پژوهشهایی در تاریخ قفقاز، ترجمه محسن خادم، تهران، ۱۳۷۵؛ نرشخی، محمد، *تاریخ بخارا*، ترجمه احمد بن محمد قباوی، تلخیص محمد بن زفر، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، تهران، ۱۳۵۱؛ نسوی، محمد، *سیرت جلال‌الدین مینکیرنی*، به کوشش مجتبی مینوی، تهران، ۱۳۶۵؛ نظام‌الملک، حسن، *سیاست‌نامه*، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۶۹؛ تولدکه، تئودر، *تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان*، ترجمه عباس زریاب، تهران، ۱۳۵۸؛ یاقوت، بلدان؛ نیز:

Ahmed Yasawi, *Divani Hikmet*, Almaty, 1993; Artamonov, M. I., *Istoriya Khazar*, Leningrad, 1962; Barthold, W. W., *Sochineniya*, Moscow, 1963; Bichurin, N. Ia (Iakinf), *Sobranie svedenii a narodakh obitovshikh v srednei Azii v drevnie vremena*, Almaty, 1998; «Bolshaia nadpis», www.kyrgyz.ru/runs/; Bosworth, C. E., «The Political and Dynastic History of the Iranian World», *The Cambridge History of Iran*, vol. V, ed. J. A. Boyle, Cambridge, 1968; BSE³; Caferoglu, A., *Türk kavimleri*, Istanbul, 1988; Christensen, A., *L'Iran sous les Sassanides*, Copenhagen, 1936; *The Columbia Encyclopaedia*; Gandzaketsi, K., *Istoriya Armenii*, ed. L. A. Khanlarian, Moscow, 1976; Grousset, R., *L'Empire des Steppes*, Paris, 1948; Gumilev, L. N., *Drevnie Turki*, Moscow, 1967; id., *Tysyacheletie Vokrug Kaspiya*, Moscow, 1993; IA; *Istoriya Azerbaidzhana*, ed. I. A. Guseinov and A.S. Sumbat-zade, Baku, 1958; Kalankatuatsi, M., *Istoriya strani Aluank*, tr. Sh. V. Smbatyan, Erevan, 1984; Kolesnikov, A. I., *Iran v nachale VII veka*, ed. N. B. Pigulevskaya, Leningrad, 1970; MacKenzie, D. N., *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, 1971; «Pamiatnik v chest toniukuka», www.kyrgyz.ru/runs/; Pigulevskaya, N. V., *Goroda Irana v rannem srednevekovie*, Moscow/Leningrad, 1956; id., *Vizantiya i Iranna rubezhe VI i VII vekov*, Moscow/Leningrad, 1946; Procopius, *History of the Wars*, tr. H. B. Dewing, London, 1965; Trever, K. V., *Ocherki po istorii i kulture kavkazskoi Albanii IV V. do n. e.-VII v. n. e.*, Moscow/Leningrad, 1959; Uzunçarsılı, İ. H., *Osmanlı tarihi*, Ankara, 1972; Wikipedia, en.wikipedia.org/wiki/Turks; *Yeni Türk ansiklopedisi*, Istanbul, 1985; Zulalian, M. K., *Voprosi drevnei i srednevekovoi istorii Armenii v osveshenii sovremennoi turetskoi istoriografii*, Erevan, 1970. عنایت‌الله رضا

تُرکاشوُنْد: نام یکی از ایلات شیعی مذهب ساکن در استان همدان، کرمانشاه و برخی از نواحی مجاور.

نام‌گذاری: ترکاشوندها خود را منسوب به قوم لُر می‌دانند که حدود دو قرن قبل، از الشتر لُرستان به منطقه ترک‌نشین همدان کوچیدند و ترکان آنها را ترکاشوند، یعنی «ترک‌شدند» نامیدند. برخی دیگر نام ایل را از دو بخش ترک و پسوند «آشوند» (پسوندی ناشناخته) دانسته‌اند (نک: برقعی، ۳). اما این وجه تسمیه‌سازی مبتنی بر فقه اللغة عامیانه و غیر علمی است. دریافت ریشه‌شناسی نام ایل نیازمند پژوهش دقیق زبان‌شناسی است.

پراکندگی: ترکاشوندها در استانهای همدان و کرمانشاه پراکنده‌اند. آنان در گذشته در روستاهای شهرستانه، آرتیمان، آشتران شهرستان تویسرکان و دامنه‌های ارتفاعات شهرستان

کوچ‌نشینی، ۷۷).

جنگ ۱۳۵۹ ش/ ۱۹۸۰ م ایران و عراق نیز تأثیر مخرب مضاعفی بر تغییر شکل ساختار و نظام کوچندگی ترکاشوندان داشت و چنان‌که گذشت، آنان را برای ادامه حیات اجتماعی خود ناگزیر از اسکان در زیستگاه‌های موقتی در دهکده‌ها و برپایی اردوگاه‌های فصلی در اطراف شهرها و روستاهای بزرگ کرد (اهلرس، ۱۷۵).

جمعیت و معیشت: اهلرس جمعیت ترکاشوندان اطراف مراتع الوند کوه را حدود ۳۰۰ چادر نوشته است (همانجا). طبق سرشماری ۱۳۶۶ ش جمعیت عشایر کوچنده ترکاشوندان، ۵۵۹ خانوار و ۳۸۹۹ تن بوده است که بین استانهای همدان، کرمانشاه، خوزستان، لرستان و ایلام ییلاق و قشلاق می‌کرده‌اند (سرشماری، کل کشور، ۲۲). در ۱۳۷۷ ش جمعیت ترکاشوندان کوچنده ۹۱۹ خانوار و ۶۰۲۲ تن گزارش شده است که میان استانهای همدان، کرمانشاه، لرستان، ایلام و خوزستان پراکنده بوده‌اند (سرشماری، استان لرستان، ۱۴-۱۵).

امروزه ترکاشوندان در روستاها و حاشیه شهرها بر روی زمینهای محدود به کشت و ورز اشتغال دارند و به کارگری و مشاغل کم‌اهمیت شهری سرگرم‌اند (برقی، ۲۷؛ اهلرس، ۱۸۸). برخی از دامداران ترکاشوند تا ۱۳۴۸ ش/ ۱۹۷۰ م از راه فروش محصولات لبنی و نیز پشم و چادرهای دستباف از موی بز، و گلیم و قالیچه زندگی می‌گذراندند (همو، ۱۷۸؛ برای اطلاع بیشتر از چگونگی گذران معیشت و وضع اقتصادی ترکاشوندان، نک: برقی، ۱۱-۱۹).

زبان: برخی زبان ترکاشوندان را یک گویش لکی (امان‌اللهی، قوم لر، ۱۷۶؛ اهلرس، ۱۷۵) و برخی دیگر، به واسطه همسایگی آنها با ایل کرد «جُمور»، گویشی کردی آمیخته با لغات لری دانسته‌اند (برقی، ۳). از این‌رو، برخی ترکاشوندان را از لحاظ قومی در گروه‌های کرد طبقه‌بندی کرده‌اند (فیروزان، ۱۹).

مآخذ: امان‌اللهی، سکندر، قوم لر، تهران، ۱۳۷۰ ش؛ همو، کوچ‌نشینی در ایران، تهران، ۱۳۶۷ ش؛ برقی، محمد، چادر نشینان دامدار ایل ترکاشوند، همدان، ۱۳۵۶ ش؛ دولتیاری، روح‌الدین، لرستان سرزمین تاریخ کهن، تهران، ۱۳۷۵ ش؛ سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده (۱۳۶۶ ش)، نتایج تفصیلی، کل کشور، مرکز آمار ایران، تهران، ۱۳۶۷ ش؛ همان (۱۳۷۷ ش)، استان خوزستان، تهران، ۱۳۷۸ ش؛ همان، استان لرستان؛ فرهنگ جغرافیایی شهرستانهای کشور، شهرستان همدان، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۸۰ ش؛ فیروزان، ت. «درباره ترکیب و سازمان ایلات و عشایر ایران»، ایلات و عشایر، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ قراگزلو، غلامحسین، هگمتانه تا همدان، تهران، اقبال؛ نیز: Ehlers, E., «The Torkashvand of Western Iran», *The Nomadic Peoples of Iran*, eds. R. Tapper and J. Thompson, London, 2002.

معصومه ابراهیمی

تُرکانِ جوان، عنوانی که عموماً بر هر نهضت و جریان

به تدریج به قشلاقات بازمی‌گردند. مناطق ییلاقی ترکاشوندان در کیوارستان، موزلان، خاکو، ابرو، و ارکانه، ارزانفود در بخش مرکزی شهرستان همدان قرار دارد (همانجا؛ فرهنگ، ۱۲۸). زمان آغاز کوچ به قشلاق به کیفیت و غنای مراتع و علوفه در ییلاق بستگی دارد. سالی که مراتع در ییلاقات خوب و پر بار است، کوچ به قشلاق دیرتر صورت می‌گیرد. گروهی از کوچندگان برای خرید «جار» (کشتزارهای درو شده) برای جرای دام زودتر از دیگران کوچ می‌کنند (برقی، همانجا). برخی از ترکاشوندان در میان راه ییلاق به قشلاق در مناطقی مانند صحنه و کنگاور و روستاهای اطراف آن تا آخر زمستان، حتی گروهی تا اردیبهشت ماه، اقامت می‌گزینند، و برخی دیگر تا خوزستان پیش می‌روند (همانجا). فاصله میان ییلاق و قشلاق ترکاشوندان را در گذشته بیش از ۲۵۰ کم، و زمان کوچ را هفته‌ها ذکر کرده‌اند (اهلرس، همانجا؛ برای اطلاع بیشتر از چگونگی مسیر و زمان کوچ ترکاشوندان، نک: برقی، ۶).

مراتع و زمینهای جرای ترکاشوندان در استان همدان با مراتع همسایگان ترکشان، ایل یاریم طاغلو (یاریم طوقلو)، مشترک است. نواحی جنوب و شرق دامنه‌های الوند به یاریم طاغلوها، و غرب و شمال آن به ترکاشوندان اختصاص دارد (اهلرس، همانجا). استمرار رواج دامداری در میان ترکاشوندان چادر نشین به چرا بستگی داشت و همین امر همواره مشکلاتی توأم با خطر در زندگی آنها پدید آورده بود، چنان‌که سرانجام به فروپاشی نظام کوچندگی منجر شد و آنان به ناگزیر اسکان یافتند. اهلرس به نقل از کدخدای رحمتیها فروپاشی اتحاد و انسجام ایلی طوایف ترکاشوند را نتیجه تبدیل چراگاه‌های آنها در گیلان غرب به زمینهای مزروعی دانسته است (ص ۱۷۷). بلکه میشو مردم‌شناس که در ۱۳۴۹ ش/ ۱۹۷۰ م در میان ترکاشوندان به تحقیق پرداخته است، چادر نشینان لر را به سبب داشتن گله‌های فراوان احشام، مالدار و ثروتمند، و ترکاشوندان را به سبب نداشتن مرتع متعلق به خود برای چرای گله‌هایشان «نادار» می‌داند (نک: همانجا). در حدود سال ۱۳۳۴ ش/ ۱۹۵۵ م روستاییان همسایه ترکاشوندان، حق چرا برای دامها تعیین کرده بودند که پرداخت آن برای ترکاشوندان مشکلات فراوانی به بار آورده بود (همو، ۱۷۵، ۱۷۶).

عوامل چندی، از جمله اجرای اصلاحات ارضی دولت در منطقه و تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بعد از ۱۳۵۴ ش/ ۱۹۷۵ م، همچنین رشد جمعیت شهرها و روستاها و گسترش آنها به سمت نواحی کوهپایه‌ای، دگرگونی‌هایی در زندگی ایلات و طوایف کوچنده منطقه پدید آورد. تقسیم زمینهای چرا و مراتع میان ایلات و طایفه‌ها موجب درگیری‌هایی میان ترکاشوندان و بهاروندان و همسایگان آنها شد (همو، ۱۷۷؛ نیز نک: امان‌اللهی،